

## بررسی تطبیقی جایگاه موسی (ع) در قرآن و تورات

دکتر بخشعلی قنبری\*

زهره قنبری\*\*

### چکیده

در این مقاله، جایگاه موسی در دو کتاب مقدس دینی (تورات و قرآن) به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و این سوالات طرح شده است که کتاب‌های مقدس قرآن و تورات، از حضرت موسی (ع) چه تصویری آرایه کرده‌اند؟ آیا این تصویرها قابل مقایسه هستند؟ روش‌های علمی و مطالعات فرسنگی این مقایسه و تطبیق، موضوعات زیادی را شامل می‌شود که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تولد و کودکی، رشد و پرورش در دربار فرعون، تحوه خروج از دربار، ازدواج با دختر شعیب، مبعوث شدن به رسالت در کوه طور و ابلاغ پیام خداوند برای دعوت فرعون به یکتاپرستی، گرفتن الواح و شریعت در کوه طور و همچنین دوران سرگردانی، از ماجراهایی هستند که ما در روند این مقاله بررسی کرده‌ایم. ناگفته نماند که این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تاریخی تنظیم شده است.

### واژگان کلیدی

تورات، قرآن، موسی، رسالت، فرعون

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



حضرت موسی (ع)، پیامبر یهود و از پیامبران اولوالعزم است که در ادیان سامی یهود، مسیح، اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. در میان عقاید و آموزه‌های یهود و اسلام وجوه مشترکی وجود دارد، زیرا، پیامبران هر دو دین از نسل حضرت ابراهیم (ع) و از دو نژاد سامی و عبرانی هستند. دین یهود، دینی است که به یک‌باره و به‌وسیله یک پیامبر، از جانب خداوند به‌سوی بشریت نیامده است، بلکه طی هزاران سال و طی مراحل و گذر از موقعیت‌های مختلف، کم‌کم تکمیل شده و سرانجام به شکل کنونی درآمده است. مهم‌تر در این دین، پیامبران بسیاری به ظهور رسیدند که مهم‌ترین آنها، حضرت موسی (ع) است که در سن ۴۰ سالگی در کوه سینا، بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای با خدا سخن گفت و از جانب او به مقام نبوت رسید و کتاب تورات را که حاوی ده فرمان بود، از یهوه دریافت و به قوم خود عرضه کرد. حضرت موسی (ع) از تمام پیغمبران یهود، بزرگ‌تر و ممتازتر بود، زیرا سایر پیغمبران نور جلال الهی را از ورای نه جام شیشه کدر می‌دیدند در صورتی که موسی آن را از ورای یک جام شیشه شفاف می‌دید. او پیام الهی را بیش از سایر پیغمبران درک و تقرب او به درگاه خدا زیادتر از تقرب دیگران بود. الهامی که به او عطا شد، سرچشمه‌ای بود که تمام پیغمبران بعد از وی از آن کسب فیض کردند و نبوت آنها، نمونه‌ای از نبوت موسی بود، زیرا او اب‌الانبیاء و نخستین معلم دینی و معنوی و همچنین کسی است که از نسل او انسان‌های بزرگ زاده شدند. دوران این پیامبر بزرگ، همراه با ناملايمات و سختی‌ها توأم بود، که او توانست با صبر و بردباری بر تمامی آنها فائق آید و سرانجام بنا بر نظر تورات در سن ۱۲۰ سالگی در دشت موآب به لقاء پروردگار نایل آید.

حضرت موسی (ع) چنانکه گفته شد در یهود و در تورات از جایگاه والایی برخوردار است که اسلام ادامه‌دهنده راه یهود و پیامبر اسلام نیز در سلسله انبیای الهی به دنبال موسی (ع) و عیسی (ع) آمده است. کم و بیش آموزه‌های حضرت موسی را به شکل بهتر و با کیفیت و کمیت بیشتری طرح کرده است.

در قرآن مسایل مختلف و شخصیت‌های برجسته الهی طرح شده‌اند که حضرت موسی (ع) هم سهم بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است. جایگاه موسی در قرآن به قدری والا است که درباره هیچ پیغمبری این اندازه آیه نازل نشده است. در حقیقت بخش قابل توجهی از نظرات تورات راجع به موسی در قرآن هم ذکر شده اما مفاهیم و مطالب قرآن بسیار پاکیزه و برخوردار از تعالی بی‌نظیرند. نگارنده در مقاله حاضر در صدد برآمده تا جایگاه موسی را در این دو دین به روش مقایسه‌ای بررسی کند تا بتواند گامی کوچک در شناساندن جایگاه آن حضرت بردارد و تا حدی بتواند تفاوت و تشابه عمیق آموزه‌های دو دین الهی اسلام و یهود را بیشتر آفتابی کرده، در اختیار خوانندگان قرار دهد.

## ۱ - اوضاع بنی اسرائیل قبل از موسی

برای بررسی وضعیت موسی در تورات ضروری دیدیم اوضاع بنی اسرائیل قبل از ظهور موسی را مورد



توجه قرار دهیم و آن را با توجه به تورات و قرآن بررسی کنیم.

## ۱ - ۱ تورات

وقتی که پدر و برادران یوسف به مصر آمدند و در آنجا ساکن شدند، هر روز بر جمعیت بنی اسرائیل افزوده شد تا جایی که فراعنه مصر ترسیدند که مبادا به خاطر جمعیت زیاد آنها، سلطنت کشور مصر از دست آنها خارج و به دست قوم بنی اسرائیل افتد.<sup>۱</sup> به همین دلیل به فکر افتادند که بنی اسرائیل را به بردگی بگیرند و تمام کارهای سخت از قبیل گل کاری، خشت سازی و هرگونه عمل صحرایی را به آنها واگذار کنند و همچنین پادشاهان از قابله های مصر درخواست کردند که هر پسری که به دنیا می آید به مأموران دربار گزارش دهند که آنها او را بکشند ولی اگر دختر بود، کاری نداشته باشند، در واقع فراعنه می خواستند با این کار، نسل بنی اسرائیل را به کلی ریشه کن کنند. ولی قابله ها از خدا ترسیدند و از فرمان فرعون سرپیچی کردند و فرعون نیز به قوم خود امر کرد، که پسران را به نهر اندازند.<sup>۲</sup>

## ۱ - ۲ قرآن

فرعون معاصر موسی، با بنی اسرائیل معامله بردگان را می کرد و در تضعیف آنان بسیار می کوشید. این کار را چنان ادامه داد که هرچه فرزند پسر برای دودمان به دنیا می آمد سر می برید و دختران آنان را باقی می گذاشت. زیرا او می خواست به کلی مردان بنی اسرائیل را نابود کند و وقتی که مردان نابود شوند، نسل به کلی منقرض می شد.<sup>۳</sup>

الف) موارد اشتراک: ظلم و ستم فراعنه، سر بریدن پسران و بیگاری قوم بنی اسرائیل.

ب) موارد اختلاف: در تورات، علاوه بر سر بریدن پسران، به نهر انداختن نیز ذکر شده، که این مورد در قرآن نیامده است.

## ۲ - تولد موسی و سپردن او به رود نیل

### ۱ - ۲ تورات

تولد موسی، که برخی آن را ۱۳ ق.م. گفته اند،<sup>۴</sup> هنگامی صورت گرفت که مصریان، بنی اسرائیل را در فشار گذاشته بودند و فرزندان نوزاد آنها را می کشتند. بنابراین، مادر موسی که از جان فرزند خویش بیمناک بود، سیدی از نی تهیه کرد و بعد از سه ماه او را به رود نیل انداخت.<sup>۵</sup>

۱. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، ترجمه میستر هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷، صص ۸۰۹ - ۸۱۱

2. Cecil, Roth, "Moses", Encyclopaedia judaica, Vol. 12, (ed). Cecil Roth, Israel, Keter Publishing House Jerusalem. 1960. Pp.374-375.

۳. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۱، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، صص ۲۵۰

4. Roessler, E., "Moses", New catholic Encyclopaedia, Vol. 10, New York, 2002, P.6.

5. Cohn Sherbok, Daniel, "concise", Encyclopaedia of Judaism, (ed). England, one word oxford, 1998, P.155

## ۲-۲ قرآن

خداوند به مادر موسی وحی کرد که طفلش را شیر دهد و او را داخل صندوق بگذارد و به دریا بیندازد و اصلاً نگران نباشد و مطمئن باشد که به زودی فرزندش را به آغوش او باز می‌گرداند و همچنین او را از پیامبران قرار می‌دهد. (طه/ ۳۸-۳۹ قابل مقایسه با قصص/ ۷-۸).

الف) موارد اشتراک: انداختن موسی به آب در هر دو کتاب ذکر شده است.

ب) موارد اختلاف: در تورات، در مورد وحی به مادر موسی چیزی نیامده است ولی در قرآن مسئله وحی ذکر شده است.

## ۳-۳ گرفتن موسی از آب

### ۳-۳-۱ تورات

خواهر موسی از دور ایستاد و منتظر بود که ببیند چه اتفاقی رخ می‌دهد. در این حال، دختر فرعون که برای شست‌وشو در کنار نهر آمده بود، موسی را داخل سبد، در میان رود دید، او را از آب گرفت و گفت: این نوزاد از آن عبرانیان است، سپس با گریه طفل، دلش سوخت و تصمیم به قیومیت او گرفت و نام او را موسی، یعنی از آب گرفته شده، نهاد و همچنین از کنیز کانش خواست که هرچه سریع‌تر برای طفل، دایه‌ای را بیابند.<sup>۱</sup>

## ۳-۲ قرآن

خواهر موسی از دور مراقب و پیگیر بود و مردان فرعون، موسی را که داخل صندوق قرار داشت از دریا گرفتند و آسیه (همسر فرعون) گفت: این بچه برای من و تو مایه دلخوشی خواهد بود او را نکشید چه بسا که برای ما نفعی در آینده داشته باشد، شاید هم او را به فرزندی اختیار کنیم. سپس مأموران را به دنبال دایه‌ها فرستاد ولی خداوند، پیشاپیش، شیر دایه‌ها را بر او حرام کرده بود.<sup>۲</sup>

الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب، دنبال کردن طفل از جانب خواهر و همچنین فرستادن مأموران برای یافتن دایه ذکر شده است.

ب) موارد اختلاف: در تورات، دختر فرعون، موسی را از آب می‌گیرد و او را به فرزندی خود می‌پذیرد، ولی در قرآن مردان فرعون موسی را از آب گرفتند و آسیه (همسر فرعون) وساطت کرد و از فرعون خواست که او را به فرزندی قبول کند.

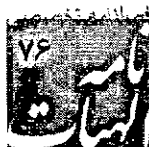
## ۳-۳ در جستجوی دایه

### ۳-۳-۱ تورات

خواهر موسی جلو رفت و به دختر فرعون گفت: آیا شما تمایل دارید که زنی شیرده از زنان عبرانیان را

1. Hoff meier, James K., "Israel in Egypt", New York Oxford University Press, 1996, P.140.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، تحقیق احمدعلی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴-۱۳۷۶، صص ۴۴۹-۴۵۰.



نزدتان بخوانم تا این طفل را برای شما شیر دهد؟<sup>۱</sup> دختر فرعون گفت: هرچه زودتر او را نزد من بیاور. وقتی که مادر موسی آمد، دختر فرعون به او گفت، این طفل را برای من شیر بده و مطمئن باش که مزد شیر دادن تو را خواهیم پرداخت. (خروج ۲: ۱-۱۰)

### ۳-۳-۲ قرآن

خواهر موسی، به درباریان فرعون نزدیک شد و گفت: آیا اجازه می‌دهید دایه‌ای خوب و دلسوز به شما معرفی کنم؟<sup>۲</sup>

الف) موارد اشتراک: پیش‌قدم شدن خواهر موسی برای آوردن دایه‌ای که شیرش فراوان است، و قبول کردن فرعون و آلس.

ب) موارد اختلاف: در تورات، دختر فرعون، پیشنهاد خواهر موسی را قبول کرد ولی در قرآن درباریان فرعون، پیشنهاد او را پذیرفتند.

### ۴- قتل قبطی و نجات سبطی (اسرائیلی)

#### ۴-۱ تورات

چون موسی بزرگ شد، نزد برادران خود بیرون آمد و به کارهای دشوار ایشان نظر انداخت. شخص قبطی را دید که شخصی عبرانی، که از برادران او بود می‌زند، به هر طرف افکند، کسی را ندید، سپس آن مرد قبطی را کشت و او را در ریگ پنهان ساخت. روز دیگر بیرون آمد که ناگاه دو مرد عبرانی را دید که با هم منازعه می‌کنند. سپس به ظالم گفت چرا همسایه خود را می‌زنی، مرد عبرانی گفت: چه کسی تو را بر ما حاکم یا داور ساخته است؟ حال می‌خواهی مرا هم همانند آن قبطی بکشی؟ بنابراین، موسی ترسید و گفت: یقیناً این امر شیوع یافته است.<sup>۳</sup>

#### ۴-۲ قرآن

موسی، زمانی از روز که مردم سرگرم کار و امور خود بودند و توجه نداشتند، به شهر مصر وارد شد و دو مرد را در حال نزاع دید. یکی از آنها اسرائیلی و دیگری قبطی بود. اسرائیلی که از پیروان موسی بود از او کمک خواست و موسی مداخله کرد و مشت‌های مرد قبطی زد و او جابه‌جا مرد. موسی افسوس‌کنان گفت: این عمل از وسوسه شیطان بود، او دشمنی است که انسان‌ها را آشکارا به گمراهی می‌کشاند.<sup>۴</sup> روز بعد، موسی نگران در شهر می‌گشت که مبادا موضوع فاش شده باشد و او را به عنوان قاتل دستگیر



۱. مصاحب، غلام‌حسین، دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر - کتاب‌های حیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۰۵.  
۲. قدس میرحیدری، سید جعفر، تاریخ الانبیاء (قصص القرآن) از آدم تا خاتم محمدین عبدالله (ص)، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴.  
۳. هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، گروه مترجمان زیر نظر ساروخاچیکی، انگلستان، بی‌نا، ۲۰۰۰، ص ۹۱.  
۴. قدس میرحیدری، پیشین، صص ۲۶۶-۲۶۷.

کنند، که دید همان مرد اسرائیلی که دیروز به او کمک کرده و قبطی را کشته بود دوباره با مرد دیگری از قبطیان در حال نزاع است. از او کمک خواست و موسی گفت: تو به‌واقع در گمراهی شدیدی هستی و چون قصد کرد که به آن مرد که دشمن هر دوی آنها بود حمله‌ای ببرد، او گفت: ای موسی! آیا امروز هم می‌خواهی مرا بکشی؟ همان‌طور که دیروز آن یکی را کشتی؟ تو قصد داری در این سرزمین ستمکار باشی نه اصلاح‌گر و خیرخواه. (قصص / ۱۸).

(الف) موارد مشترک: دفاع از عبرانی و کشتن قبطی

(ب) موارد اختلاف: در تورات، دفعه اول، دعوا بین یک فرد قبطی و یک فرد عبرانی بود که منجر به مرگ قبطی شد و موسی او را در ریگ پنهان ساخت و دعوی دوم میان دو فرد عبرانی بود. ولی در قرآن دفعه اول، دعوا میان یک قبطی و یک عبرانی بود که با مشت موسی مرد و حضرت این عمل را از وسوسه شیطان دانست و به درگاه خدا استغاثه کرد و دعوی دوم میان یک قبطی دیگر با همان اسرائیلی بود که موسی او را دفعه پیش نجات داده بود.

## ۵- راهنمایی موسی به سوی مدین

### ۵- ۱ تورات

وقتی ماجرای کشته شدن قبطی به گوش فرعون رسید، قصد قتل موسی را کرد، ولی موسی از حضور فرعون فرار کرد و به سرزمین مدین رفت.<sup>۱</sup>

### ۵- ۲ قرآن

از سخن فرد اسرائیلی، قبطی طرف دعوایش فهمید که قاتل قبطی دیروز، موسی بوده، لذا به دربار فرعون رفت و جریان را به وی گزارش داد و فرعون نیز تصمیم بر قتل موسی گرفت.<sup>۲</sup> سپس فردی از اقوام فرعون به نام مؤمن آل فرعون، موسی را از این جریان مطلع کرد و موسی به طرف مدین به‌راه افتاد.<sup>۳</sup>

(الف) موارد اشتراک: خیردار شدن فرعون از مرگ قبطی و فرار موسی به سرزمین مدین

(ب) موارد اختلاف: در تورات، موسی خود از حضور فرعون فرار کرد ولی در قرآن با کمک یکی از

درباریان فرعون به نام مؤمن آل فرعون از قصد فرعون مطلع شد و به طرف مدین روانه شد.

## ۶- ازدواج موسی در مدین

### ۶- ۱ تورات

موسی بعد از فرار از مصر، در زمین مدین ساکن شد و بر سر چاهی نشست. کاهن مدین هفت دختر

1. Cohn sherbok, Art. Cit, p. 155.

۲. مکارم شیرازی، پیشین، ج ۳، ص ۴۵۴؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۹.  
۳. جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، قصص الانبیاء، یوسف عزیزی، تهران، معاد، ۱۳۷۵، ص ۳۵۰؛ اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۲۹۸.



داشت که هر روز برای سیراب کردن گله خود بر سر چاه می‌آمدند ولی به خاطر وجود شبانان گردن کلفت، آخر سر به گوسفندان نشان آب می‌دادند.<sup>۱</sup>

وقتی موسی این صحنه را دید، جلو آمد و آنها را کمک کرد و گله‌هایشان را سیراب نمود. سپس وقتی به خانه برگشتند پدر آنها که رعوثیل نام داشت، علت زود آمدن آنها را جویا شد؟ دختران جریان را برای پدر تعریف کردند و سپس رعوثیل نیز از آنها خواست که موسی را به خانه دعوت کنند تا نان خورد.<sup>۲</sup> وقتی موسی به نزد رعوثیل رسید، او یکی از دخترانش به نام صفوره را به نکاح موسی در آورد که از او صاحب دو فرزند پسر به نام‌های جرشون و الیعازر شد.<sup>۳</sup>

## ۶-۲ قرآن

وقتی موسی بر سر چاه مدین رسید، گروهی از مردم را دید که به چهارپایان خود آب می‌دادند و در کنار آنها دو زن را دید که گوسفندان خود را از چاه دور نگه داشته بودند، موسی گفت: چرا گوسفندانتان را آب نمی‌دهید؟<sup>۴</sup> دختران پاسخ دادند، منتظریم چوپانان گوسفندانمان را ببرند تا بعد نوبت ما شود. پدر ما، مرد پیر و از کار افتاده است و ما به جای او گوسفندها را به چرا می‌آوریم و آب می‌دهیم. (قصص / ۲۳).

سپس موسی، گوسفندان آنها را آب داد و در سایه‌ای نشست و گفت: پروردگارا، هر خیر و نعمتی که بر من نازل فرمایی به آن محتاجم.<sup>۵</sup> در این وقت، یکی از آن دو دختر، با شرم و حیا نزد موسی برگشت و به او گفت: پدرم، پیامبر خدا، شما را به خانه دعوت کرد تا اجرت تو را که گوسفندان ما را آب دادی بپردازد.<sup>۶</sup> سپس موسی با پدر آنها ملاقات کرد و به موسی اطمینان داد که اینجا در امان است و از او خواست که یکی از دو دخترش را به نکاح خود درآورد و در قبال مهر دختر، ۸ الی ۱۰ سال شبانی گوسفندان او را کند. موسی قبول کرد و در مدین ماند.<sup>۷</sup>

الف) موارد اشتراک: رفتن به مدین و سیراب کردن گوسفندان دختران و همچنین ملاقات با پیامبر خدا و ازدواج با دختر او.

ب) موارد اختلاف: در تورات نام پیامبر خدا رعوثیل و در جای دیگر پترون آمده، ولی در قرآن نام او ذکر نشده است.

در تورات، تعداد دختران کاهن مدین، ۷ نفر ولی در قرآن دو نفر ذکر شده است.

1. Cecil, Art. Cit, Pp. 374-375.

۲. هاکس، پیشین، ص ۹۴۴.

3. Roessler. E, Art. Cit, p.6.

۴. مصاحب، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰۶؛ بوشنجی، ابوالحسن بن هیصم، قصص الانبیاء، محمدین اسعدین عبدالله الحنفی التستری، تصحیح و تحقیق عباس محمدزاده، مشهد، دانشگاه فردوس مشهد، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹.

۵. طباره، عقیف عبدالفتاح، موسی (همگام با پیامبران) ۴، کریم زمانی، تهران، حکمت، ۱۳۵۷، صص ۱۰-۱۱.

۶. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس (درون‌مایه‌های مشترک)، ج ۱، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹، ص ۴۷۸؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۸.

۷. قدس میرحیدری، پیشین، صص ۲۶۸-۲۶۹.

در تورات، موسی از جانب رعوتیل در عوض کمک به دختران، دعوت به خوردن نان می‌شود ولی در قرآن، دعوت می‌شود تا مزد زحمتش را بگیرد. در تورات، نام همسر موسی صفوره، ولی در قرآن ذکری از نام همسر حضرت موسی (ع) نشده است.

## ۷ - رسالت موسی

### ۷ - ۱ تورات

موسی، گله پدرزن خود یترون، کاهن مدیان را شبانی می‌کرد که هنگامی که به حوریب که جبل‌الله باشد رسید، فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌ای بر او ظاهر شد، و وقتی موسی دید که بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی‌شود، جلو رفت تا موضوع را بفهمد که ناگهان خدا از میان بوته، به وی گفت: ای موسی! از اینجا نزدیک‌تر نیا، و نعلین خود را از پاهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است و من خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم. آنگاه، موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد. و خداوند گفت: هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند، دیدم و حال نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم. حال تو، به نزد فرعون برو، و قوم من، بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون بیا. موسی گفت: من کیستم که به نزد فرعون بروم؟ خدا گفت البته با تو خواهیم بود و علامتی که من تو را فرستاده‌ام، این باشد که چون قوم را از مصر بیرون آوری، خدا را بر این کوه عبادت خواهید کرد. (خروج ۳: ۱-۲۱).

### ۷ - ۲ قرآن

مدت زمان خدمت حضرت موسی به پایان رسید و ایشان به همراه خانواده و گوسفندان خود راهی مصر شد ولی به خاطر بیم از مأموران فرعون، از بیراهه رفتند و در بیابانی تاریک و سرد گم شدند. ناگهان حضرت موسی، نوری را از دور مشاهده کرد و به طرف آن حرکت نمود. وقتی به نزدیک آتش رسید، هرچه سعی کرد که پاره‌ای از آتش بیفتد و آن را بردارد، نتوانست. و وقتی بهتر ملاحظه کرد، دید که آن درخت آتش نیست، بلکه تشعشعی از انوار است، ناگهان، ندایی به گوشش رسید که می‌گفت: ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهان و جهانیان، نعلین خود را از پای بدر کن که، اکنون در وادی مقدس طوی هستی. (طه / ۱۲ قابل مقایسه با مریم / ۵۲، نمل / ۸-۹، نازعات / ۱۶).

(الف) موارد اشتراک: هر دو کتاب، نزول وحی را از طرق سخن خداوند با شعله‌وری بوته یا درخت، در سرزمین مقدس می‌دانند و هر دو کتاب خدا را معرفی می‌کنند.

(ب) موارد اختلاف: تورات، سخن گفتن خدا با موسی را در کوه حوریب (کوه خدا) ولی قرآن سرزمین مقدس طوی که در جانب راست کوه طور بود می‌داند. در تورات زمان سخن گفتن خدا با موسی، در حال چرانیدن گوسفندان یترون ذکر شده ولی در قرآن زمانی که موسی با خانواده خود عازم مصر بود





ذکر شده است.

در تورات، تأکید بر نبوت، نجات بنی اسرائیل و توحید است ولی در قرآن علاوه بر این سه مورد ذکر شده، تأکید بر معاد نیز می‌باشد.

## ۸ - معجزات موسی

### ۸ - ۱ تورات

موسی (ع) از خداوند نشانی می‌خواهد تا عبرانیان رسالت او را باور کنند و خداوند، برای آنکه نشانه‌ای از رسالت به او بدهد، به او گفت: آنچه که در دستت داری چیست؟ موسی گفت: عصاست. سپس خداوند فرمود آن را بر زمین بینداز، و چون آن را بر زمین انداخت، ماری گردید و موسی از ترسش گریخت. سپس خداوند به موسی گفت: دست خود را دراز کن و دمش را بگیر. موسی دست خود را دراز کرد و آن را گرفت که در دستش عصا شد. معجزه دوم اینکه خداوند به او گفت: دست خود را در گریبان ببر، چون دست به گریبان خود برد و آن را بیرون آورد دست او مانند برف مبروص شد و وقتی دوباره دست بر گریبان برد و بیرون آورد، دیگر دستش مبروص نبود و خداوند فرمود هرگاه این دو آیت را باور نکردند و سخن تو را نشنیدند، آنگاه، از آب نهر گرفته، به خشکی بریز، که این آب به خون مبدل خواهد شد و این، آیت سوم را خواهند پذیرفت. (خروج ۴: ۱-۹).

### ۸ - ۲ قرآن

خداوند از موسی پرسید، در دست راست تو چیست؟ موسی عرض کرد، این عصای من است. در راه رفتن، به آن متکی هستم و با آن به درختان می‌زنم و برای گوسفندانم برگ می‌ریزم. خداوند فرمود: عصایت را بر زمین بیفکن. موسی، عصا را بر زمین افکند و عصا به صورت اژدهایی شتابنده در حرکت نمایان شد. خداوند فرمود: آن را بگیر، نترس، ما بی‌درنگ آن را به صورت اولش درمی‌آوریم. حال دستت را در گریبان فرو ببر، و چون آن را خارج کنی درخشان و سپید است نه مثل سپیدی پیسی. (طه/ ۱۷-۲۲ قابل مقایسه با نمل / ۱۰-۱۲، قصص / ۳۱-۳۲).

الف) موارد اشتراک: مار (اژدها) شدن عصا و درخشان و سپید شدن دست.

ب) موارد اختلاف: در تورات، موسی خود از خداوند نشانه‌ای می‌خواهد ولی در قرآن خداوند موضوع نشانه را مطرح می‌کند. در تورات سه آیت ذکر شده، به طوری که اگر فرعون دو آیت اول را قبول نکرد، آیت سوم را می‌پذیرد ولی در قرآن دو آیت مطرح شده است. تورات، سپیدی دست را به سبب مریضی جذام می‌داند ولی قرآن بدون مرض و عیب می‌داند.

## ۹ - تقاضای موسی در مورد همراهی برادرش

### ۹ - ۱ تورات

موسی به خداوند گفت: من مردی فصیح نیستم. نه در سابق و نه از وقتی که به بنده خود سخن گفتم،

۱. مانسون، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۱؛ مصاحب، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰۵.



بلکه کندزبانم، استدعا دارم که ای خداوند، بفرستی به دست هر که می‌فرستی. آنگاه خشم خداوند بر موسی مشتعل شد و گفت آیا برادرت، هارون لاوی را نمی‌دانم که او فصیح‌الکلام است؟ اینک او نیز به استقبال تو بیرون می‌آید، و چون تو را ببیند، شاد خواهد گردید و سپس کلام را به زبان او القا خواهی کرد و من با زبان تو و زبان او خواهیم بود، و آنچه باید بکنید، به شما خواهیم آموخت و او به‌جای تو با قوم سخن خواهد گفت و او در واقع زبان تو خواهد بود. (خروج ۴: ۱۰-۱۷).

## ۹-۲ قرآن

موسی به خداوند گفت: پروردگارا برای من معاون و یاری از خاندانم قرار ده. هارون، برادرم، برای معاونت من خوب است. قدرت مرا با همراهی او تقویت فرما و به او هم در مأموریت من سهمی عنایت فرما تا من و او، با هم به پاس الطاف الهی به تسبیح‌گویی و ستایش پاکی تو بپردازیم و مدام به ذکر ذات اقدس مشغول باشیم. مسلماً تو ناظر بر اعمال ما هستی. خداوند، تقاضای موسی را مورد اجابت قرار داد. (طه/ ۲۵-۳۶ قابل مقایسه با شعراء/ ۱۲-۱۳، قصص/ ۳۴-۳۵).

(الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب، موسی، خود از خدا خواست که هارون، معاون و یاور او باشد.

(ب) موارد اختلاف: در تورات، خداوند از تقاضای موسی خشمگین می‌شود و به او می‌گوید مگر من نمی‌دانم که هارون، برادر تو فصیح‌الکلام است ولی در قرآن، خداوند از تقاضای موسی خشمگین نمی‌شود و دعای او را مورد اجابت قرار می‌دهد.

## ۱۰- موسی در حضور فرعون و مقابله با جادوگران و ساحران

### ۱۰-۱ تورات

موسی و هارون به نزد فرعون آمده و به او گفتند یهوه خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: قوم مرا رها کن تا برای من در صحرا عید نگاه دارند. فرعون گفت: یهوه کیست که قول او را بشنوم و اسرائیل را رهایی دهم؟ یهوه را نمی‌شناسم و اسرائیل را نیز رها نخواهم کرد. سپس با گفته‌های هارون و موسی پادشاه از آنها معجزه‌های درخواست کرد.<sup>۱</sup> سپس هارون عصای خود را پیش روی ملازمانش انداخت، ازدها شد. فرعون نیز، حکیمان و جادوگران را طلبید و ساحران مصر هم به افسون‌های خود چنین کردند، هر یک عصای خو را انداختند و ازدها شد. ولی عصای هارون، اعضاهای ایشان را بلعید و دل فرعون سخت شد و ایشان را نشنید، چنانکه خداوند گفته بود. (خروج ۷: ۸-۱۲).

### ۱۰-۲ قرآن

موسی به نزد فرعون رفت و گفت: من پیامبر آفریگار جهان‌ها هستم. شایسته است که درباره خداوند

۱. اشرفی، پیشین، ص ۳۰۶.





جز به حق سخن نگویم، به تحقیق با معجزه‌های آشکار از جانب آفریدگار آمده‌ام، پس فرزندان اسرائیل را همراه من روانه کن. (اعراف/ ۱۰۴-۱۰۵ قابل مقایسه با طه/ ۴۷-۴۸، دخان/ ۱۹).

فرعون پرسید، پروردگار تو کیست؟ موسی گفت: آفریدگار ما، همان ذات اقدس است که انسان‌ها را خلق و سپس هدایت فرمود. فرعون گفت: اگر خدایی، غیر از من اختیار کنی، قطعاً تو را به زندان خواهیم افکند.<sup>۱</sup> موسی گفت: حتی اگر معجزه‌های ظاهر سازم؟ آنگاه، عصای خویش را بیفکند که ناگهان اژدهایی عظیم شد و بعد دست در گریبان خود برد و وقتی درآورد همچون خورشید می‌درخشید. (اعراف/ ۱۰۷-۱۰۸ قابل مقایسه با شعراء/ ۳۲-۳۳). فرعون، موسی را ساحر خواند و جادوگران و ساحران را فرا خواند تا با او مقابله کنند. وقتی جادوگران در روز موعود در کاخ فرعون حاضر شدند، آنچه تهیه کرده بودند انداختند و آنها همانند مار و اژدها و خزنده به طرف موسی و هارون در حرکت بودند و وحشی را در دل آنها ایجاد کرد. سپس خداوند به موسی فرمود، عصای خود را بینداز و وقتی او انداخت، عصا اژدهایی عظیم شد و تمام طناب‌ها و چوب‌ها را که به صورت مار و اژدها و عقرب درآمده بود، خورد و درختان و سنگ‌های سر راهش را خرد کرد و از بین برد. سپس ساحران و جادوگران به سجده افتادند و گفتند به خدای هارون و موسی، پروردگار جهان‌ها ایمان آوردیم.<sup>۲</sup>

الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب ذکر شده که موسی و هارون هر دو با هم به نزد فرعون رفتند و فرعون سخنان آنها را نفی و آنها را دعوت به مقابله با جادوگران و ساحران کرد.  
ب) موارد اختلاف: در تورات، فرعون از آنها معجزه‌های درخواست کرد ولی در قرآن موسی به فرعون ظاهر کردن معجزه را پیشنهاد کرد. در تورات هارون عصا را انداخت که تبدیل به اژدها شد و جادوگران و ساحران شکست خوردند ولی در قرآن موسی عصا را انداخت و با تبدیل شدن آن به اژدها ساحران و جادوگران به سجده افتادند، ایمان آوردند و شکست را پذیرفتند.

## ۱۱- بلایای مصر

### ۱۱- ۱ تورات

وقتی که خداوند دید که فرعون اصلاً ایمان نمی‌آورد، ده مصیبت بی‌دری بر مصریان فرو فرستاد، تا بلکه پند گیرند و بنی‌اسرائیل را رها سازند که این بلایا عبارتند از: تبدیل آب به خون، وزغ، پشه‌ها، مگس‌ها، هلاک شدن مواشی دمل‌ها، تگرگ، ملخ‌ها، تاریکی، مرگ نخست‌زادگان که بارها به هنگام عذاب، فرعون می‌گفت: قوم را رها می‌کنم تا بروند، اما زمانی که با دعای موسی، مصیبت پایان می‌گرفت، فرعون خودسری می‌کرد و از رها کردن عبرانیان سرباز می‌زد.<sup>۳</sup>

۱. طباره، پیشین، ص ۱۴؛ یوشنجی، پیشین، ص ۲۵۶؛ مصاحب، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰۶.

۲. قدس میرحیدری، پیشین، ص ۲۸۱.

۳. مصاحب، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰۵؛ اشرفی، پیشین، ص ۳۰۶؛ هلی، پیشین، صص ۹۲-۹۴.

## ۱۱- ۲ قرآن

فرعونیان که نه از ظلم و ستم خود دست برمی‌داشتند و نه به موسی ایمان می‌آوردند، به انواع گوناگونی از بلاهای آشکار از قبیل: طوفان، ملخ، شیش، قورباغه، خون، قحطی، خشکسالی و کمبود محصولات گرفتار شدند تا شاید متذکر شوند و سر عقل بیایند. (اعراف / ۱۳۰-۱۳۳). پس هرگاه نعمتی به آنها روی می‌آورد، می‌گفتند این از نتیجه کوشش خود ماست و چون بلا و مصیبتی به آنها می‌رسید، آن را از شومی و بدقدمی موسی و یارانش می‌دانستند و هربار که بلایی می‌آمد، فرعون می‌گفت، اگر عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد، و بنی‌اسرائیل را با تو روانه خواهیم ساخت، ولی وقتی عذاب برطرف می‌شد، پیمان‌شکنی می‌کردند.<sup>۱</sup>

(الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب بلاهای نازل بر فرعونیان ذکر شده است.

(ب) موارد اختلاف: تورات تعداد بلاها را ده مورد ذکر کرده ولی قرآن نه نشانه آشکار دانسته است.

## ۱۲- خروج قوم بنی‌اسرائیل از مصر و غرق شدن فرعون و قومش

### ۱۲- ۱ تورات

اسرائیلیان شب‌هنگام به راه افتادند و خدا قوم را از طریق صحرائی که در حاشیه دریای سرخ بود هدایت نمود، و همچنین خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان نشان دهد و شبان‌گاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد و روز و شب راه روند. فرعون نیز ارابه خود را بیازاست و قوم خویش را با خود همراه کرد تا اسرائیلیان را تعقیب کنند. چون فرعون به قوم موسی نزدیک شد، آنها ترسیدند ولی موسی به آنها گفت: مترسید، بایستید و نجات خداوند را ببینید. سپس خداوند به موسی گفت: عصای خود را برافراز و دست خود را به طرف دریا دراز کن، وقتی موسی چنین کرد، دریا مشتق شد و راه خشکی پدید آمد و قوم بنی‌اسرائیل به راحتی از آن گذشتند، ولی همین‌که فرعونیان وارد راه خشکی شدند خداوند به موسی گفت: دست خود را به دریا دراز کن تا جریان دریا باز گردد، بنابراین، فرعون و همه سپاهیان در دریا غرق شدند و یکی هم از آنها باقی نماند. (خروج ۱۴: ۱۶-۳۱).

### ۱۲- ۲ قرآن

خدا به موسی وحی کرد که بندگان مرا شبانه حرکت ده، زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت. (طه / ۷۷ قابل مقایسه با دخان / ۲۳).

فرعون، مأموران جمع‌آوری خود را به شهرها فرستاد و گفت: اینها عده‌ای ناچیزند و ما می‌توانیم

۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج ۱۱، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳، ص ۴۸۳.



آنها را به راحتی نابود کنیم. (شعراء / ۵۴-۵۶). سپس هنگامی که آنها را تعقیب کردند و به سپاهیان موسی نزدیک شدند، آنها گفتند: ما قطعاً گرفتار خواهیم شد. موسی گفت: چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد. سپس خدا به موسی وحی کرد که با عصایت به دریا بزن، وقتی چنین کرد، راه خشکی بر آنها باز شد و قوم بنی اسرائیل از آن گذشتند و وقتی فرعون با لشکریانش وارد آن شدند، دریا مجدداً به حالت اولیه خود برگشت و آنها غرق شدند<sup>۱</sup> سپس هنگامی که فرعون در حال غرق شدن بود گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند نیست. ولی دیگر دیر شده بود و جسد فرعون نیز به ساحل آورده شد تا درس عبرت دیگران باشد. (یونس / ۹۰-۹۲ قابل مقایسه با ذاریات / ۴۰).

الف) موارد اشتراک: هر دو کتاب هلاکت فرعون و پیروانش را بعد از عبور بنی اسرائیل از دریا ذکر کرده‌اند.

ب) موارد اختلاف: در تورات ذکر می‌شود که فرعون در هنگام غرق شدن و باقی ماندن جسد او در ساحل نیامده، ولی در قرآن این دو مورد ذکر شده است.

## ۱۳ - حضور موسی در سینا و اعطای الواح شریعت

### ۱۳ - ۱ تورات

در ماه سیم از بیرون آمدن بنی اسرائیل از زمین مصر، آنها به صحرائی سینا رسیدند و در بیابان اردو زدند و اسرائیلیان در آنجا در مقابل کوه فرود آمدند.

سپس خداوند به موسی گفت: نزد من به کوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام، تا ایشان را تعلیم نمایی به تو بدهم. پس موسی با خادم خود یوشع برخاست تا به کوه خدا بروند سپس به مشایخ گفت: برای ما در اینجا توقف کنید تا نزد شما بازگردیم. همانا هارون و حور با شما می‌باشند. پس هر که امری دارد نزد ایشان برود. موسی به میان ابر داخل شد و به فراز کوه برآمد و چهل روز و چهل شب در کوه ماند و چون خداوند، گفتگو با موسی را در کوه سینا به پایان برد، دو لوح شهادت یعنی دو لوح سنگی مرقوم به انگشت خدا را به او داد که ده فرمان بر روی آنها حک شده بود. (خروج / ۲۴: ۱۲-۱۸).

### ۱۳ - ۲ قرآن

بعد از نابودی فرعون، موسی و پیروانش، به میعادگاه مقدس، در طرف راست کوه طور، مرکز وحی الهی دعوت شدند و خداوند، موسی را به نزد خود فرا خواند.<sup>۲</sup> موسی بیش از رفتن، به برادرش هارون گفت: در

۱. جزایری، پیشین، ص ۳۸۲؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۱۲.

۲. طباطبایی، پیشین، صص ۳۵-۳۶.



میان این قوم، جانشین من باش و کار آنان را اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن سپس خداوند با موسی، سی شب وعده گذاشت و آن را با ده شب دیگر تمام کرد، تا آنکه وقت معین در چهل شب به سرآمد و خداوند الواح تورات را به او داد و در آن از هر چیزی به تفصیل آمده بود. (اعراف / ۱۴۲ قابل مقایسه با بقره / ۵۱).

(الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب رفتن موسی به کوه سینا، به مدت چهل شب و اخذ الواح و همچنین جانشینی هارون در غیاب موسی ذکر شده است.  
(ب) موارد اختلاف: در این قسمت اختلافی وجود ندارد.

## ۱۴ - گوساله پرستی قوم

### ۱۴ - ۱ تورات

وقتی آمدن موسی به طول انجامید، قوم، نزد هارون رفتند و از او درخواست کردند که برای آنها خدایی بسازد تا آنها را هدایت کند. سپس هارون، گوشواره‌های طلای زنان و دختران آنها را گرفت و ذوب کرد و در قالب مخصوصی ریخت و مجسمه‌ای به شکل گوساله ساخت. قوم اسرائیل نیز، هنگامی که گوساله را دیدند، فریاد برآوردند که این همان خدایی است که شما را از مصر بیرون آورد. سپس قوم برای گوساله قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های سلامتی تقدیم نمودند. خداوند به موسی فرمود: به نزد قوم باز گرد که آنها در نبود تو به پرستش گوساله پرداخته‌اند. موسی همراه با دو لوح سنگی که در دست داشت و بر دو طرف آن لوح‌ها، ده فرمان خدا نوشته شده بود، به پایین آمد و هنگامی که چشمش به گوساله طلایی افتاد خشمگین شد و لوح‌ها را به زمین انداخت به طوری که لوح‌ها تکه تکه شدند و همچنین گوساله طلایی را گرفت و در آتش انداخت و آن را ذوب کرد، کوبید و گردش را روی آب پاشید و از آن آب به بنی اسرائیل نوشانید. سپس هارون و قوم را مورد نکوهش قرار داد و به آنها گفت هر کس طرف خداوند است پیش من بیاید. تمام طایفه لوی دور او جمع شدند و موسی به ایشان گفت: خدای بنی اسرائیل می‌فرماید، شمشیر به کمر ببندید و برادر و دوست و همسایه خود را بکشید. لوی‌ها اطاعت کردند و در آن روز در حدود سه هزار نفر از قوم اسرائیل کشته شدند. سپس موسی به حضور خداوند رفت و برای قوم طلب شفاعت کرد و خداوند به موسی فرمود: دو لوح سنگی مثل لوح‌های اول که شکستی، تهیه کن تا دوباره ده فرمان را روی آنها بنویسم. موسی چهل شبانه‌روز بالای کوه در حضور خداوند بود، در آن مدت، نه خورد و نه آشامید، و وقتی دو لوح سنگی را گرفت و از کوه سینا به پایین آمد چهره‌اش بر اثر گفت‌وگو با خداوند می‌درخشید. (خروج ۳۴: ۱-۳۱).

### ۱۴ - ۲ قرآن

وقتی بازگشت موسی به طول انجامید، فردی به نام سامری، قوم را فریب داد و برای آنها مجسمه‌ای از



گوساله پدید آورد. هارون هرچه سعی کرد که آنها را از انجام گوساله پرستی بر حذر کند، نتوانست. زیرا تعداد آنها زیاد بود و کسی به حرف او گوش نمی‌کرد. وقتی موسی توسط خداوند از این ماجرا خبردار شد، خشمگین و اندوهناک، نزد قوم بازگشت و لوح‌ها را بر زمین افکند و به آنها گفت، شما در نبود من، بد جان‌شینانی بودید. سپس هارون را نیز مورد نکوهش قرار داد ولی وقتی که فهمید تقصیر کار اصلی، سامری بوده، او را از میان قوم طرد کرد و گوساله را ذوب، و ذرات او را به دریا پاشید و امر کرد به فرمان خدا یکدیگر را بکشند و وقتی خشمش فرو نشست، الواح را گرفت و برای هدایت قوم خواند.<sup>۱</sup>

الف) موارد اشتراک: در هر دو کتاب میعاد خداوند با موسی در چهل شب در کوه سینا و گرفتن الواح ذکر شده است و هر دو کتاب، گوساله پرستی قوم را در نبود موسی می‌دانند و همچنین در هر دو کتاب، موسی الواح را پرت می‌کند، گوساله را می‌سوزاند و خاکستر آن را به دریا می‌ریزد.

ب) موارد اختلاف: تورات، گوساله پرستی را به هارون نسبت داده ولی قرآن، هارون را نصیحت‌گر قوم، و گوساله پرستی را به سامری نسبت داده است. در تورات، الواحی که موسی پرت می‌کند، می‌شکند و در میعاد دوم، الواح نوشته می‌شود. ولی در قرآن، الواح نمی‌شکند و از میعاد دوم صحبتی نشده است. در تورات، ماجرای کشتن نافرمانان سه هزار نفر ولی در قرآن ذکری از شمار کشته‌شدگان نشده است.

## ۱۵ - دوران سرگردانی در بیابان

### ۱۵ - تورات

موسی به امر خداوند، دوازده نفر را انتخاب و برای بررسی به سرزمین کنعان فرستاد. پس از چهل روز، آنان از مأموریت برگشتند و ده نفر خیر ناخوشایند، و فقط دو نفر به نام‌های کالیب و یوشع خبر نویدبخش آوردند، ولی قوم از فرمان موسی برای جنگیدن با عمالقه سرپیچی کردند و به او گفتند تا قوم عمالقه آنجا هستند ما وارد سرزمین موعود نمی‌شویم. سپس خداوند آنها را به چهل سال سرگردانی در بیابان تنبیه کرد. و در این مدت غذای قوم من و سلوی بود و سپس به فرمان خداوند، موسی، یوشع را جانشین خود اعلام کرد و موسی (ع) در سن صد و بیست سالگی در سرزمین موآب درگذشت.<sup>۲</sup>

### ۱۵ - ۲ قرآن

موسی به امر خداوند دوازده نفر از مردانی که از خدا می‌ترسیدند انتخاب کرد که از این دوازده نفر، ده نفر خیر ناخوشایند و فقط دو نفر خبر نویدبخش آوردند،<sup>۳</sup> سپس قوم گفتند، ما هرگز وارد سرزمین مقدس نخواهیم شد، تو و پروردگارت به جنگ با قوم عمالقه بروید و آنها را شکست دهید، ما همین‌جا منتظر می‌مانیم.<sup>۴</sup> به خاطر این نافرمانی و گستاخی، چهل سال ورود به سرزمین موعود برای قوم بنی‌اسرائیل

۱. طباطبایی، پیشین، ج ۱۴، صص ۲۹۰-۲۹۱.

۲. اشرفی، پیشین، ص ۳۲۵؛ مصاحب، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۰۶.

۳. مصاحب، پیشین، ج ۲، صص ۲۹۰۶-۲۹۰۷.

۴. بلاغی، سید عبدالرحمت، حجه التفسیر و بلاغ الاکسیر، ج ۲، قم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲؛ طباره، پیشین،

ص ۴۳؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱، ص ۷۸.

ممنوع گردید و غذای آنها در این مدت چهل سال من و سلوی بود.<sup>۱</sup>

(الف) موارد اشتراک: هر دو کتاب، در خبر از سرزمین موعود و وعده موسی به تسخیر آن و مخالفت همه مگر دو نفر از آن گروه که خداترس بودند، مشترک‌اند و همچنین هر دو کتاب، در تنبیه قوم و وعده داخل نشدن این جماعت به سرزمین موعود نیز مشترک‌اند.

(ب) موارد اختلاف: در تورات جانشینی یوشع و مرگ موسی به‌طور مفصل بیان شده است که در قرآن ذکری از این دو مورد نشده است.

### نتیجه‌گیری

نتایجی که از این تحقیق به‌دست می‌آید این است که رضا و تسلیم در مقابل خواسته‌های الهی سبب ترقی و تکامل انسان می‌شود. حضرت موسی (ع) عملاً به مردم توکل و اعتماد به نفس را تعلیم داد و اینکه حق و حقیقت هیچ‌وقت معدوم نمی‌شود و همیشه پایدار است و بشر را در تمام مخاطرات نگاه می‌دارد. صبر بر بلا، و شکر بر عاقبت است که انسان را در تحولات زندگی شکست و صبور می‌نماید و به نتیجه مطلوب می‌رساند. چنان‌که حضرت موسی (ع) با آن مشکلاتی که فراعنه برایش فراهم آوردند، با حلم و صبر و بردباری پشت سر گذاشت و بر ناملازمات و جهالت قوم خود، پس از سال‌ها مبارزه با فرعون زمان و هلاکت او و اتباعش، و گوساله‌پرستی قوم بنی‌اسرائیل، فائق آمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۷۸



۱. حسین هملانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن، طاهر، صفارزاده، تهران، انتشارات هنر بیداری، ۱۳۸۰.
۲. کتاب مقدس (ترجمه قدیم) شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه زبان‌های عبرانی، آرامی و یونانی، انتشارات ایلام، ۱۹۹۶.
۳. اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۵.
۴. بلاغی، سید عبدالحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶.
۵. بوشنجی، ابوالحسن بن هیصم، قصص الانبیاء، محمد بن اسعد بن عبدالله الحنفی التستری، تصحیح و تحقیق عباس محمدزاده، مشهد، دانشگاه فردوس مشهد، ۱۳۸۳.
۶. جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، قصص الانبیاء، یوسف عزیزی، تهران، معاد، ۱۳۷۵.
۷. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۸. حسین همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴.
۹. طباره، عقیق عبدالفتاح، موسی (همگام با پیامبران) ۴، کریم زمانی، تهران، حکمت، ۱۳۵۷.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۱. قدس میرحیدری، سیدجعفر، تاریخ الانبیاء (قصص القرآن) از آدم تا خاتم محمد بن عبدالله (ص)، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۸۴.
۱۲. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس (درون‌مایه‌های مشترک)، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سپهرودی، ۱۳۷۹.
۱۳. مصاحب، غلام‌حسین، دائرةالمعارف فارسی، تهران، امیرکبیر - کتاب‌های حیبی، ۱۳۸۰.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، تحقیق احمدعلی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶.
۱۵. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، ترجمه میستر هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۶. هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، گروه مترجمان زیر نظر ساوواچپکی، انگلستان، بی‌تا، ۲۰۰۰.
17. Cecil, Roth, "Ark of Moses", Encyclopacyia Judaica, Vol. 3, (ed). Cecil Roth, Israel, keter Publishing House Jerusalem, 1960.
18. CohnSherbok, Daniel, "concise", Encyclopaedia of Judaism, (ed). England, one word oxford, 1998.
19. Hoff meier, James K., "Israel in Egypt", New York Oxford University Press, 1996.
20. Roessler. E, "Moses", New catholic Encyclopaedia, Vol. 10, New York, 2002.



پښتونستان ښوونځي  
پرتال جامع علوم انساني

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۷۸

